

هدایت استراتژیکی

مسئله کاهش فقر و دستیابی به هدفهای توسعه هزاره چالشی عظیم است.

با وجود اینکه در دو دهه اخیر گامهای بلندی در کاهش دادن فقر برداشته شده است—تعداد افراد فقیر در دو دهه اخیر به میزان ۲۰۰ میلیون نفر کاهش یافت—درآمد ۱/۲ میلیارد نفر هنوز کمتر از روزی یک دلار است، در حالی که درآمد ۲/۸ بیلیون نفر کمتر از روزی دو دلار است. پیش بینی شده که جمعیت دنیا در طی ۵۰ سال آینده از شش میلیارد نفر به نه میلیارد نفر خواهد رسید، و تقریباً ۹۵ درصد از افزایش فوق در کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

هدفها

هدفهای توسعه هزاره (MDGs)، که در ملاقات هزاره سران در سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ مورد موافقت ۱۸۹ کشور قرار گرفت، میزان توافق بی سابقه ای در مورد الزامات کاهش پایدار فقر را در بر دارند. برنامه فوق شامل اهداف ویژه ایی است که تمام جامعه توسعه—اهدگران و دریافت کنندگان—به سوی دستیابی به آنها فعالیت بکنند:

- ا. ریشه کن کردن فقر مفرط و گرسنگی
- ب. دستیابی به آموزش و پرورش ابتدائی همگانی
- ج. پیشبرد تساوی زن و مرد و توانمند کردن زنان
- د. کاهش دادن مرگ و میر کودکان
- ه. مبارزه با اچ آی وی/ایدز، مالاریا، و بیماریهای دیگر
- و. حصول اطمینان در مورد ادامه پذیری محیط زیست
- ز. بهبود همکاری جهانی برای توسعه

در حال حاضر، به نظر میرسد که نخستین هدف—به نصف رساندن نسبت مردمی که در فقر مفرط زندگی میکنند بین ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ و بهبود دسترسی به آب سالم—برآورده خواهد شد. ولی این داده بازتاب میانگینهای جهانی است، و نتایج واقعی در نقاط مختلف دنیا یکسان نبوده، و بخصوص در آفریقا ضعیف خواهند بود.

یکی از مسائلی که آخرین هدف تعریف میکند نقش اهداگران و دریافت کنندگان است. در آخرین ملاقاتهای سران دنیا—شامل کنفرانس بین المللی تامین پول برای توسعه در مانتری، و ملاقات سران برای توسعه پایدار در ژوهانسبورگ—یک الگوی جدید بوجود آمده است، که نیاز به کاهش دادن موانع تجارتي، افزایش کمک، و کاهش بار بدهی را به کشورهای توسعه یافته نشان داده است. در ضمن، دستیابی به MDGs نیاز به حرکت واقعی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به سوی برقرار کردن خط مشی های اقتصادی درست، مدیریت موثر و تهي از فساد در بخش دولتی، و محیطی که سرمایه گزاری خصوصی را پرورش میدهد، دارد.

نقش بانک جهانی چیست؟

بانک جهانی به هر دو کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه توسط وامدهی، تضامین، کار تحلیلی و مشاورتی، کاستن بدهی، بهبود ظرفیت، و نظارت و مدافعه جهانی کمک میکند.

استراتژی بانک جهانی برای کاهش فقر بر اساس ایجاد جو سرمایه گزاری و سرمایه گزاری در مردم فقیر است.

یک نوشتار چارچوب استراتژیکی، مورخ سال ۲۰۰۱، دو ستونی که فعالیتهای وامدهی، کمک، و ایجاد گنجایش بانک جهانی، برای برآوردن MDGs، بر اساس آنها خواهد بود را مشخص نمود: ایجاد جو برای سرمایه گزاری، اشتغال، و رشد ادامه پذیر؛ و سرمایه گزاری در مردم فقیر و توانمند نمودن آنها به شرکت کردن در توسعه. نخستین ستون بر اساس شواهدی میباید که نشان میدهد که موفقترین توسعه آن توسعه ایی است که بخش خصوصی در آن تقدم داشته، ولی توسط نوعی دولت تسهیل میشود که جو توانمندکننده ای برای کسب و کار و فعالیت اقتصادی ایجاد کرده، و شالوده، سرمایه انسانی، و یک سیستم مکفی حقوقی و قضائی تامین میکند. ستون دوم بازتاب این حقیقت است که اگر قرار است مردم فقیر بتوانند در فرصتهای اقتصادی شرکت کرده و به ایجاد آنها کمک کنند، بهداشت و آموزش و پرورش و کاهش دادن آسیب پذیری در مقابل ضربات حائز اهمیت میباشند.

هفت حوزه عمده. در آغاز سال ۲۰۰۳، مدیریت بانک جهانی هفت حوزه خاص را برای مشخص کرد: آموزش و پرورش برای همه، آبی و/یا انرژی، بهداشت مادر و کودک، آب و فاضلاب، جو سرمایه‌گذاری و تامین پول، تجارت، و تجدید پذیری محیط زیست. حوزه‌های فوق‌گانه به عنوان حوزه‌های شناسایی شده اند که در کلیه مناطقی که از بانک جهانی وجه دریافت میکنند دارای اهمیت حیاتی میباشند—آنها میباشند که بانک کوشش دارد تاثیر کار خود در آنها را در آینده نزدیک گسترش دهد. این به معنی برنامه‌های بیشتر برای ایجاد گنجایش و روندهای تسریع شده، و نیز تامین وجه و کمک‌های بلاعوض معمول میباشند. هنگامی که بانک بین المللی برای بازسازی و توسعه در سال ۱۹۴۴ تاسیس یافت، موضوع «توسعه» جنبه یک فکر ثانوی را داشت. کار اصلی بانک جهانی در آن موقع بازسازی اروپا بعد از جنگ بود.

پس از جنگ دوم جهانی، اصل فعالیت کشورهای ثروتمند به سوی بهبود دادن سطح زندگی در کشورهای فقیر عملی شد. در سالیانی که از آن زمان گذشته است، درک جامعه بین المللی در مورد روابط متقابل بین کاهش دادن فقر و رشد اقتصادی رشد کرده، و همکاری بین بخشهای دولتی و خصوصی، شرکت کردن، توانمند کردن، و طرز حکومت را در بر گرفته است.

اساسی ترین نکته این است که واضح است که رشد اقتصادی لزوماً فقر را کاهش نمیدهد.

در سال ۲۰۰۰، بانک جهانی یک مطالعه پیشگام در مورد فقر منتشر نمود. **صداهای فقر** سعی به افشاء علل و اثرات فقر جهانی به وسیله دستیابی به خود مردم فقیر نمود: ۶۰،۰۰۰ مرد و زن در ۶۰ کشور گزارشهای شخصی مفصلي در مورد واقعیات زندگی کردن در فقر، و اینکه فقر برای بهبود زندگی‌شان به چه چیزی نیاز دارند ارائه کردند. این مطالعه نشان داد که فقر تا چه حد اساساً با سایر اجزاء پرورش انسانی—بهداشت، آموزش و پرورش، شرکت در حکومت، و غیره—رابطه متقابل دارد، و فساد و برنامه ریزی ناموثر دولتی چه نقشی در آن ایفا میکنند.

پژوهشی که برای **نظرات فقر** انجام گرفت برای پشتیبانی از گزارش ۲۰۰۰/۲۰۰۱ **توسعه جهانی بانک در مورد «حمله به فقر»** بود، و روی بسیاری از تغییرات اخیر در طرز برخورد بانک جهانی با عملیات خود تاثیر گذاشته است. برنامه جدید برای حمله به فقر در گزارش تشریح شده است:

- افزایش دادن فرصت، که یعنی پشتیبانی از رشد اقتصادی منصفانه، دسترسی به بازار، و تحویل خدمات اجتماعی به مردم فقیر.
- توانمند کردن، که یعنی شامل کردن و شرکت کردن مردم فقیر، و مسئولیت و شفافیت دولت.
- امنیت، که مربوط به کاهش دادن خطراتی میباشند که مردم فقیر با آن مواجهند—چه ضربه اقتصادی، بیماری، مصیبت طبیعی، و یا خشونت.

توسعه ای که محرک آن جامعه است. یکی از مهمترین نتایج مطالعه این بود که فقر مربوط به بسیاری چیزهای دیگر به غیر از کمبود درآمد نیز میشود. فقر یعنی فقدان «صدا» در اثر داشتن روی روند اتخاذ تصمیمات عمده ای که روی زندگی مردم فقیر اثر میگذارند، و یا فقدان نمایندگی در نهادهای سیاسی ایالتی و ملی. این امر باعث افزایش یافتن تمرکز روی «توسعه ای که محرک آن جامعه است» شده است: پروژه‌هایی که اختیار و کنترل بیشتری به گروه‌های محلی روی تخصیصات ملی پول و منابع—در نتیجه جلوگیری از فساد—«صدای» قویتری در داخل نهادها میدهند. چند مثال:

- تامین وجه برای کمیته‌های محلی آموزش و پرورش در مناطق روستایی ال سالوادور، گواتمالا، و هندوراس، که در آنها خود اولیاء کودکان و جوه مدارس را اداره کرده، در مورد حاضر شدن دانش آموزان حصول اطمینان کرده، و معلمین را استخدام کرده و روی عملکرد آنها نظارت میکنند.
- یک برنامه پاکسازی زاغه‌ها در چهار شهر آمریکای لاتین—شهر گواتمالا، کاراکاس، سانوپولو، و رسیف—که در آنها انجمنهای محلی، سازمانهای جامعه مدنی، دولت محلی، و کسب و کارهای خصوصی مشغول به بهبود دادن مسکن و خدمات محلی میباشند، تا بهداشت محلی را بهبود داده و از جنایات بکاهند.

رشد و سرمایه‌گذاری افزایش یافته دولتی و خصوصی، شامل سرمایه‌گذاری در شالوده، کماکان برای کاهش دادن فقر اهمیت حیاتی دارند. بطور کلی، دسترسی به خدمات بنیادین مدرن و بهبود یافته مستقیماً برآمدهای بهداشت و آموزش و پرورش را بهبود داده، سطح مرگ و میر کودکان از بیماری‌های ناشی از آب و سطح بیماری‌های تنفسی را کاهش داده، و امکان دسترسی آسانتر به مدارس و کلینیک‌ها را میدهد.

بیشرفت مشروط بر فعالیت همزمان در چندین بخش است:

- در پرو، رشد درآمد در خانوارهایی که دسترسی به شالوده دارند ۴۵ درصد بیشتر از خانوارهایی است که فاقد چنین خدماتی میباشند.
- در مناطق شهری نیکاراگوئه، مرگ و میر کودکان در محله هایی که دسترسی به فاضلاب بهبود پیدا کرده بود، به میزان ۵۰ درصد کاهش یافت.
- در مراکش، حاضر شدن دختران در مدارس در مناطقی که جاده های آسفالت شده داشتند دو برابر شد.

باتوجه به مقیاس عظیم نیازها و مقدار محدود منابعی که در دسترس بانک جهانی میباشد، چالشی موجود مربوط به جلب کلیه منابع تأمین پول است. تمرکز کردن روی اصلاحات خط مشی، ایجاد ظرفیت، و دستچینی از عملیات سرمایه گذاری باعث خواهد شد که امکان معرفی کردن انواع دیگر تأمین وجه افزایش یابد.

چارچوب توسعه جامع (CDF)

گزینه‌گری در داخل کشورها بیشتر بر اساس اولویتهای توسعه هر کشور میباشد. مفهوم چارچوب توسعه جامع، که به وسیله بانک جهانی ادا شده است و جامعه توسعه در لوی بانک این مفهوم را هر چه بیشتر پذیرفته است، بنیاد کلیه عملیات است. اصول اساسی CDF عبارتند از: مالکیت توسط کشور مربوطه، بینش و استراتژی دراز مدت و همه جانبه، همکاری استراتژیکی بین نهادهای ذینفع، و تمرکز روی مسئولیت برای نتایج توسعه.

چه موضوع این باشد که چگونه باید در مردم فقیر سرمایه گذاری کرد و آنها را برای شرکت کردن در توسعه توانمند نمود، و چه این باشد که چگونه باید جوی برای سرمایه گذاری، اشتغال، و رشد ادامه پذیر ایجاد کرد، احتمال بیشترین موفقیت هنگامی پیش می آید که مسئولیت برای استفاده موثر از کمک خارجی با خود کشورهایی دریافت کننده باشد. امروزه، وامگیران، و نه بانک جهانی، برنامه توسعه را تشریح میکنند، در حالیکه بانک یک نقش مشاورتی ایفا میکند.

CDF برنامه توسعه هر کشور را با در نظر گرفتن کلیه جنبه های توسعه—اجتماعی، ساختاری، انسانی، طرز حکومت، و محیط زیست، علاوه بر اقتصادی و مالی—هدایت میکند. کلیه نهادهای ذینفع باید برنامه ها را قبول کرده باشند—بصورت یکسان بین جامعه مدنی و بخش خصوصی به همان مقدار دولت و اهداگران.

از نقطه نظر بانک، CDF امکان اجرای عملیاتی را میدهد که برای این انتخاب شده اند که حداکثر تأثیر را دارند، و چارچوبی برای استراتژیهای کمک به کشورها (CAS) تأمین میکند. این استراتژیها—که معمولاً برای دوره های سه ساله میباشند—برنامه های وامدهی و غیروامدهی بانک جهانی در هر کشور را تشریح میکنند. در رابطه با فقیرترین کشورها، CAS و کلیه کمکها—شامل کاهش دادن بدهی در صورت امکان—اکنون مشروط بر این است که دولتهای دریافت کننده نوشتارهای استراتژی کاهش دادن فقر تهیه کنند، که بایستی دور رس، متمرکز بر فقر، و همکارانه باشند.

استراتژیهای بخشی

یک چارچوب راهنما برای کمک نه تنها برای کشورها بلکه برای بخشها نیز کاربری دارد. استراتژیهای بخشی، به وسیله شناسایی جنبه های نسبتاً ضعیف عملکرد کشور که به توجه به آنها اولویت بندی شده است، به شکل دادن به طرز کار و فعالیتهای بانک جهانی در یک بخش یا حوزه موضوعی بخصوص کمک میکنند. این چارچوبها پس از مشاورهای گسترده، که هر چه بیشتر میتوان از طریق اینترنت نیز در آن شرکت کرد، تکمیل شده، و هر سه سال یک بار ویرایش میشوند.

استراتژی بخش ترابری شهری فعلاً تحت تجدید نظر است.

بانک جهانی اخیراً استراتژیهای بخشی جدیدی در موارد زیر منتشر نمود: جنگلها، منابع آب، توسعه روستایی، محیط زیست، جنسیت، تکنولوژیهای اطلاعات و مخابرات، و توسعه بخش خصوصی.

استراتژیهای بخشی دیگری در مورد موضوعات زیر موجود است:

مبارزه با فساد

آموزش و پرورش

طرز حکومت و اصلاح بخش دولتی

بهداشت، تغذیه و جمعیت (ضمناً رجوع شود به استراتژی اچ آی وی/ایدز برای آفریقا)

استخراج معادن (استراتژیهای منطقه ای)
دولت شهری و محلی
مدیریت منابع آب